

علم أصول الفقه

٢٤-١١-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٤٨

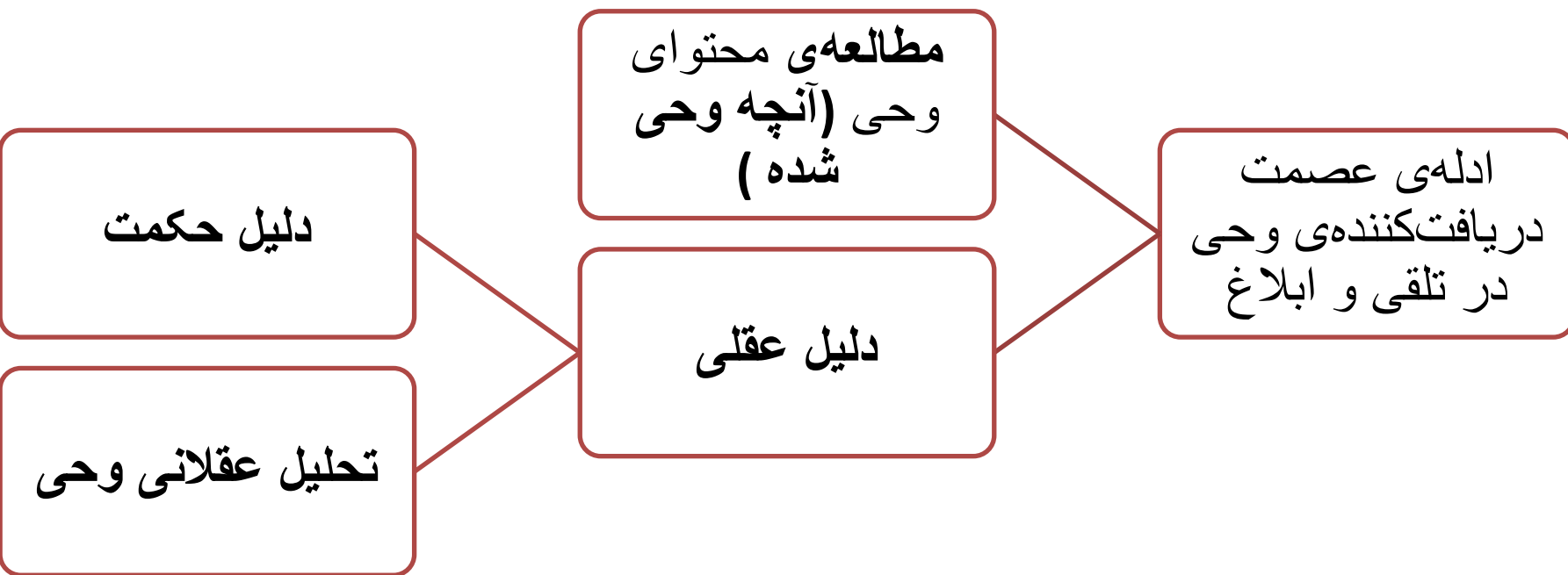
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- با توجه به آنچه در بحث مصونیت وحی از خطا ذکر گردید، عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ نیز روشن می‌گردد.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- ادله‌ی عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی
 - مطالعه‌ی محتوای وحی (آنچه وحی شده)
 - دلیل عقلی
 - دلیل حکمت
 - تحلیل عقلانی وحی



عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- مطالعه‌ی محتوای وحی (آنچه وحی شده)
- این امر عدم خطای دریافت کننده وحی در تلقی و ابلاغ را اثبات می‌کند.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- دلیل حکمت
- این دلیل عصمت دریافت کننده وحی را در تلقی و ابلاغ وحی اثبات می‌کند.
- برای آن که پیام الهی بدون تغییر به مردم برسد باید افزون بر مصونیت وحی از خطا دریافت کننده وحی نیز آن را بدون اشتباه دریافت کند.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- از سوی دیگر، خداوند می‌خواهد پیام خویش را به مردم برساند پس حکمت او اقتضا می‌کند راهی را برگزیند که خطایی در آن نیست و از کسی استفاده کند که در ابلاغ وحی خطا نمی‌کند. اگر غیر از این باشد با حکمت، علم و قدرت او منافات دارد.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- بدیهی است بحث عصمت پیامبر وحی در ابلاغ، خارج از بحث مصونیت خود وحی است و به معصوم بودن پیامبر وحی مربوط می‌شود. از این رو، مدخلی برای بحث سنت به حساب می‌آید.
- و همین طور معلوم است که دلیل حکمت نمی‌تواند عصمت پیامبر را در بیش از این اثبات نماید. بنابراین برای اثبات عصمت پیامبر یا دیگر معصومان در دیگر شئون (به عبارت دیگر حجیت صدور سنت) به بیش از آنچه تاکنون گفتیم، نیاز خواهیم داشت.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- تحلیل عقلانی وحی
- بنا بر این تحلیل می‌توان عصمت دریافت کننده وحی در تلقی را اثبات می‌کند.
- در واقع پیامبر دریافت کننده‌ی وحی اگر به آن مقام و درجه از وجود نرسد که صلاحیت دریافت وحی را داشته باشد، اصلاً به او وحی نمی‌شود و این نقص، نقص قابل است نه نقص فاعل.
- عالم پر از وحی است؛ اما کسی می‌تواند آن را دریافت کند که به این مرتبه‌ی وجودی رسیده باشد.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- به عبارت دیگر اموری مثل وحی، حقایق زمانی و تدریجی نیستند. آنها در ارتباط با عالم دنیا، تصویری تدریجی می‌یابند. حقیقت آنها، حقیقتی ثابت است و همان گونه که قبلاً اشاره کردیم قبل از خلقت انسان در علم الهی و صقع ربوبی وجود داشته است.
- اگر در همان لحظه (که البته تعبیر به لحظه نیز تسامحی است) موجودی در همان مرتبه قرار گیرد، می‌تواند تمامی وحی یعنی حقیقت دین را درک کند و از آنجا که در علم حضوری، علم و عالم و معلوم با هم متحدند و سه‌گانگی آنها فقط در فضای تحلیل است، وحی و گیرنده‌ی وحی یکی می‌شوند.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- بدیهی است معنای واحد شدن وحی و گیرنده‌ی آن، منسلخ شدن پیامبر از خودیت خودش نیست. پیامبر و وحی دو چیز هستند که با هم اتحاد وجودی یافته‌اند. همان گونه که ما در علم حضوری خویش آن هنگام که تصویری از یک شیء را در نزد خود داریم، با صورت متحد می‌شویم، اما از سنخ صورت نمی‌گردیم.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- تا اینجا معلوم می‌شود که مسلماً دریافت کننده‌ی وحی، در دریافت وحی از خطا مبرا است، حال چه با دلیل حکمت که فقط امکان وقوعی را نفی می‌کرد و چه با دلیل چهارم یعنی تحلیل وحی که امکان ذاتی خطا را نیز منتفی می‌ساخت.
- نکته‌ای که باید در اینجا افزود، ابلاغ وحی است. آیا پیامبر دریافت کننده‌ی وحی در ابلاغ وحی نیز مصون از خطا است؟

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- این سؤال وقتی واضح می‌شود که به مطلب زیر توجه می‌کنیم: وقتی عالم، به علم حضوری خویش التفات می‌کند و آن را به یاد می‌آورد و یا آن را بیان می‌کند، علم حضوری او تبدیل به علم حصولی می‌شود. مثلاً تا وقتی حالتی برای ما حاصل است، ما بدان علم حضوری داریم؛ اما وقتی بعدها از آن حالت یاد می‌کنیم، علم ما حصولی است، نه حضوری.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- اینجا صورتی از شیء در نزد ما حاضر است. مسلماً از آنجا که این علم، حصولی است، احتمال صدق و کذب و خطا در آن راه دارد. چه بسا ما نتوانیم دقیقاً معانی ایجاد شده در خود را در قالب الفاظ برای دیگران بازگو نماییم.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- پیامبر دریافت کننده‌ی وحی نیز اگر چه وحی را از طریق علم حضوری دریافت کرده و یقیناً خطایی در آن وجود ندارد، اما در بیان وحی، علم او یک علم حصولی است.
- او مأمور ابلاغ وحی است و وقتی می‌خواهد وحی را برای مردم بیان کند، بحث الفاظ و اصوات و کتابت و تصورات به میان می‌آید و در این تبدیل علم حضوری به علم حصولی، امکان خطا وجود دارد.
- بنابراین جا دارد بپرسیم: آیا پیامبر در ابلاغ وحی خطا نمی‌کند؟
- دلیل حکمت این امر را اثبات می‌کند ولی دلیل اخیر یعنی تحلیل عقلانی وحی نیاز به توضیح دارد.

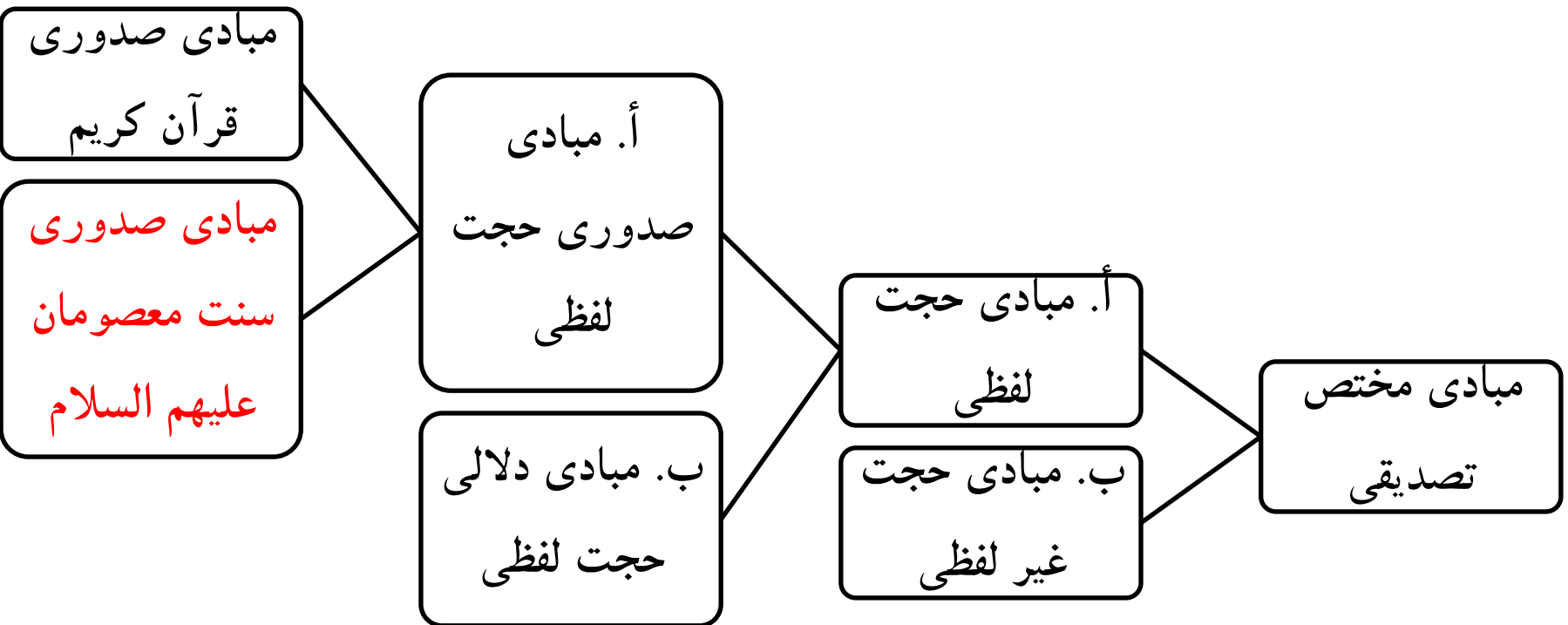
عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ

- با مجموع بحث‌هایی که از ابتدای بحث حجیت صدوری قرآن تا به حال ذکر کردیم، روشن می‌شود که آیات، سوره‌ها، تراکیب و ترتیب آنها، وحیانی است و گرفتار هیچ تغییر و تحریفی نشده است. از سوی دیگر نه در خود وحی خطایی ممکن است و نه پیامبر دریافت کننده‌ی وحی، در تلقی و ابلاغ آن گرفتار خطا شده است. در نتیجه ما می‌توانیم به قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی و الهی استناد نماییم و به سندیت آن اطمینان داشته باشیم.

عصمت دریافت کننده‌ی وحی در تلقی و ابلاغ



. همان گونه که امواج رادیویی در فضا پخش است، اما دستگاہی می‌تواند آن امواج را دریافت کند که قابلیت را داشته باشد.



مبادی صدور سنت

- در مبانی صدور قرآن کریم بر اساس دلیل حکمت ثابت کردیم که خداوند تبارک و تعالی برای ابلاغ پیام خود به بشر از طریقی استفاده می‌نماید که مصون از خطا است و شخصی را به عنوان مأمور ابلاغ پیام بر می‌گزیند که در دریافت پیام (وحی) و در رساندن آن مصون از خطا باشد. البته همان گونه که در آنجا معلوم گشت، این دلیل فقط امکان وقوعی خطا را نفی می‌نمود و نفی امکان ذاتی خطا با دلیل دیگری ثابت شد که توضیح آن نیز گذشت.

مبادی صدورى سنت

- بنابراین هم خود وحی، به عنوان یک راه معرفت بین خدا و پیامبر، و هم شخص پیامبر، به عنوان دریافت کننده و رساننده‌ی وحی، مصون از خطا هستند و عصمت پیامبر اقتضا می‌کند که در شناخت وحی الهی دچار خطا نشود و آن را از القاءات شیطانی تمییز دهد. پس او با عصمتی که دارد، می‌داند آنچه به او القا شده است، وحی الهی است نه یک القای شیطانی و سپس بدون این که دچار خطا یا نسیانی شود، پیام را به مردم ابلاغ می‌کند.

مبادی صدور سنت

- این مقدار مصونیت از خطا و عصیان و نسیان، مصحح استناد ما به قرآن - به عنوان منبع دین - خواهد بود. در بحث سنت نمی توانیم به این مقدار اکتفا نماییم و احتیاج به توسعه‌ی بیشتری داریم.